



**نظام حقوقی غرب برای پیشگیری از خشونت تدابیر اصلاحی ندارد. برای همین با وجود تورم قانونی و جرم‌انگاری‌های مکرر در حوزه مقابله با خشونت علیه زنان، آمار خشونت‌به‌ویژه خشونت‌های جسمی و جنسی علیه زنان کاهش نمی‌یابد. شی‌انگاری جنس زنانه در نظام بین‌المللی حقوق بشر که یک نظام حقوقی لیبرال غربی است منجر به سوءاستفاده همه‌جانبه از زنان و دختران شده است**



**گفت‌وگوی «جوان» با معاون زنان و خانواده اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (ع)**

# نظام حقوقی غرب در پیشگیری از خشونت تدبیر ندارد

**زهرا چیذری**

خشونت واژه پر تکرار دنیای ماست آن هم در شرایطی که برای مقابله با خشونت به ویژه خشونت علیه زنان اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های جهانی همچون کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در ۱۹۷۹ و اعلامیه مقابله با خشونت علیه زنان در ۱۹۹۲ صادر شده و ایجاد جهانی یافته است. با وجود این اما آمار و ارقام ارائه شده

سرسر کار خانم دکتر مقدمی از زنان در دنیای غرب برای داشتن حقوق حداقلی خود مانند حق رأی مسال‌ها مبارزه کرده‌اند. در آستانه روز بین‌المللی مقابله با خشونت علیه زنان هستیم، لطفاً تشریح بفرمایید بر چه اساسی روز ۲۵ نوامبر هر سال برای مقابله با خشونت علیه زنان نامگذاری شده است؟

همانطور که به درستی اشاره فرمودید روز ۲۵ نوامبر هر سال میلادی که در سال جاری با چهارم آذر مصادف شده به عنوان روز بین‌المللی مقابله با خشونت علیه زنان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد نامگذاری شده است. برای پی بردن علت نامگذاری این روز باید سفری در دل تاریخ بزنیم. در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰ سه خواهر از خانواده میرابل در کشور جمهوری دومینیک به دلیل فعالیت سیاسی علیه دیکتاتور وقت، ترور و کشته شدند. تقریباً ۳۹ سال بعد طی قطعنامه ۵۴/۱۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل این روز را برای یادآوری خشونت‌اعمال شده علیه این سه خواهر، به عنوان روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان نام نهاد. نکته مهمی که اینجا وجود دارد آن است که جامعه بین‌الملل با وجود برگزاری دهه زنان ملل متحد از سال ۱۹۷۵ به بعد و با وجود تصویب کنوانسیون حقوق سیاسی در ۱۹۵۲، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (سیدیا) در ۱۹۷۹ و اعلامیه مقابله با خشونت علیه زنان در ۱۹۹۳ قریب چهار دهه را پشت سر می‌گذارد تا برای مبارزه با خشونت یک روز تعیین کند که طبیعتاً این فرآیند تاریخی نسبتاً طولانی است و نشان از حرکت کند نظام بین‌المللی حقوق بشر دارد.

بدیهی است خشونت و ظلم از جمله ابعاد تاریک و ضدانسانی حیات بشری است که به واسطه مخالفت با فطرت و وجدان باطنی انسان، در تمامی ادیان توحیدی و جوامع انسانی نکوهیده است. پیش از به رسمیت شناختن روزی به عنوان روز مقابله با خشونت علیه زنان اساساً پیش از آگاهی بین‌المللی نسبت به این پدیده شوم، هر وجدان آگاه و باطن روشنی به اینکه ظلم و خشونت پدیده‌ای غیرانسانی و بلکه ضدانسانی است اشراف دارد و با این تعاریف به نظر می‌رسد حتی خیلی خیلی دیرتر از آنچه تاریخ بشریت باید بدان می‌رسید، جامعه بین‌المللی نسبت به خشونت واکنش نشان داده است.

**اشاره داشتید که خشونت و ظلم در ادیان توحیدی نکوهیده است؛ با توجه به این توضیحات آیا تفاوتی معنادار میان خشونت در ادبیات حقوق بین‌الملل و نظام حقوق اسلام وجود دارد؟ آیا می‌توان یک الگوی واحد برای مقابله با خشونت و حتی تعریف خشونت ارائه کرد؟**

نگاه نظام حقوقی و اخلاقی اسلام به مقوله خشونت چه از منظر معنا، چه مصادیق و چه متعلق له آن گسترده‌تر از نگاه و رویکرد غربی یا همان نظام بین‌المللی است. در رویکرد غربی، اعلامیه مقابله با خشونت علیه زنان پدیده خشونت را به عنوان «هر رفتار خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت تعریف کرده که منجر به آسیب‌ها و صدمات جسمی، جنسی یا ذهنی - شخصیتی در زنان شود یا اینکه برای زن آزار دهنده باشد همانند تهدید به انجام این امور اجبار یا محرومیت از آزادی در زندگی اجتماعی و خصوصی». بنا بر این تعریف عنصر اعمال زور جسمی،

از سوی رسانه‌های غربی از آمار بالای خشونت علیه زنان و حتی قتل زنان از سوی همسر یا شریک زندگی در دنیای غرب حکایت دارد. این مسئله نشان می‌دهد به رغم سال‌ها تلاش و مبارزه زنان غربی برای به دست آوردن حق و حقوقشان، اعلامیه‌های حقوق بشری و ضمانت اجرایی کافی و متناسب برای مقابله با انواع مصادیق ظلم و خشونت علیه همه افراد قربانی به ویژه زنان کافی نیست. بخش مهمی

از لفظ مقابله با مظلوم و خشونت‌ها با تدابیر پیشگیرانه محقق می‌شود؛ موضوعی که نظام حقوقی اسلام آن را مورد توجه قرار داده است و بر آن تأکید دارد. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی «جوان» با دکتر نیلوفر مقدمی خمایی، معاون زنان و خانواده اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (ع) در رابطه با بحث قوانین منع خشونت علیه زنان در دنیای غرب و مقایسه آن با نظام حقوقی اسلام است.

کلام و شخصیت است. بنابراین عرفانه زبست کردن برای مردان و زنان یک عامل پیشگیری از ظلم و خشونت جنسی و جسمی است.

این یک قاعده برای انسان‌های طبیعی و سالم است اما آیا همه اجتماع را افراد متعادل سالم تشکیل داده‌اند؟ خیر، در جامعه افراد بیمار و کسانی که به تعبیر قرآن در قلب‌هایشان مرض هست هم حضور دارند. خداوند حکیم بر رعایت عفاف می‌کند و در صورت بروز هر خلاف و ظلم برای حفاظت حداکثری از زنان و مردان توصیه و تأکید می‌کند. اما اگر همین مرد با رضایت و درخواست زن مرتکب همین اعمال شود، اینجا خشونت صورت نگرفته، چراکه رضایت و اراده طرفینی در میان بوده است.

**تفاوت خشونت با ظلم چیست و چرا شما تعریف ظلم در اسلام را گسترده‌تر از خشونت در حقوق بین‌الملل می‌دانید؟**

شاید در بادی امر چنین به نظر برسد که خشونت و ظلم مترادفند؛ در حالی که چنین نیست. عنصر اصلی در فهم معنای خشونت، نفی اراده فرد قربانی است؛ یعنی هرآنچه رخ می‌دهد برخلاف رضایت و اراده شخصی زن است. در ظلم این عنصر تأثیری در وقوع ندارد؛ گاه خود فرد قربانی ظلم با اراده فردی و با رضایت آن را می‌پذیرد. اینجا است که نگاه اسلامی با نگاه مدرن غربی تفاوت‌های خود را نشان می‌دهد. در اسلام تمامیت معنوی انسان همانند تمامیت جسمی، جنسی و ذهنی وی محترم است و حتی اگر فرد با رضایت شخصی خود و با اراده سعی در نفی و آسیب رساندن به تمامیت معنوی و خروج از عدالت داشته باشد نیز تحت ظلم تلقی می‌شود و باید نسبت به ارتفاع آن اقدام گردد.

این تفاوت‌نگرش، ریشه در تفاوت نگاه به انسان یا به عبارتی انسان‌شناسی متفاوت در منظومه اسلام و غرب دارد.

**در سر تیترا اخبار آمارهای تکان دهنده‌ای از خشونت علیه زنان در کشورهای غربی منتشر می‌شود و هر از چندگاهی جنبش‌ها و حرکت‌هایی در اعتراض به این خشونت‌ها و کشتارها در دنیای غرب شکل می‌گیرد؛ با این مقدمه بفرمایید چه سازوکارهای حقوقی در نظام حقوقی غرب برای حمایت از زنان وجود دارد و آیا این قوانین به اندازه کافی بازدارنده نیست که شاهد خشونت‌های مکرر علیه زنان هستیم؟**

در پاسخ به پرسش قبلی شما چنین عرض کردم که تفاوت عمده‌ای در رویکرد و نگاه غرب به انسان نسبت به نگاه و رویکرد اسلام ناب وجود دارد. برای پاسخ به این سؤال هم حداقل در بخش نخست باید به همین مؤلفه تأکید کنم. وقتی نگاه به انسان به جسمانیت و ذهن وی محدود شود، نظام قانونگذاری نیز متناسب با آن جرم‌انگاری می‌کند. برای توضیح این عبارت به نکات آنی توجه بفرمایید. بارها و بارها شنیده‌ایم که نظام حقوقی غرب (غرب را در اینجا هر آنچه خارج از اسلام است در نظر می‌گیریم و منظور غرب جغرافیایی نیست) بر پایه اومانیزم یا تکیه بر خرد خودبنیادانسان بنا شده است. بنابراین، این انسان است که تصمیم می‌گیرد چه اموری را مجاز یا قانونی و چه اموری را غیرمجاز یا غیرقانونی قلمداد کند. برای برهم نخوردن نظم اجتماعی هم باید قاعده و قانونی وضع کند. قاعده و قانون در این نظام متأثر از یک فلسفه اجتماعی خاص است که می‌گوید: «آزادی هر فردی تا جایی است که به آزادی دیگران خدشه وارد نکند». پس تا اینجا محور قانونگذاری

اینجا یک محور مهم دیگر هم مطرح می‌شود. در نظام بین‌المللی حقوق بشر که یک نظام حقوق لیبرال غربی است، چون خودخودبنیادانسان واضع و منشأ حقوق است و آزادی تا جایی است که به آزادی دیگران لطمه وارد نکند، زن مالک بدن خود بوده و نمی‌توان به واسطه دین یا هر باور ایدئولوژیک دیگر حجاب را به او تحمیل کرد. خروجی حتمی چنین باوری، شی‌انگاری جنس زنانه است. خروجی این مدل سال‌هاست در غرب منجر به سوءاستفاده همه‌جانبه از زنان و دختران شده است. وقتی زن به جسته و تقلیل پیدایی می‌کند، بدیهی است که اولاً شایستگی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی‌اش دیده نمی‌شود، دوماً بیشتر در دسترس و مورد سوءاستفاده است و سوماً به رغم تلاش‌های زیاد برای حفظ حقوقش و ارانداری کمین‌ها مختلف قربانیان زنان به واسطه رویکردهای مردسالارانه و عموماً وضعیت جسمانی کوچک‌تر در نسبت با مردان مصادیق و جمعیت بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند. این یعنی ضرورت پرداختن به موضوع مقابله با ظلم علیه زنان یک امر مهم و واجب است در عین اینکه سایر اقشار تحت ظلم و خشونت هم نباید نادیده گرفته شوند.

این را در برانتزر گویم که غرب از یک تناقض فلسفی رنج می‌برد؛ از یک طرف مخالف خشونت علیه زنان به ویژه خشونت جنسی است (که خود آثار جسمی و روانی درناکی برای زن به همراه دارد) و از سوی دیگر شدیدترین نوع مجازات اسلامی در مواجهه با چنین جرایمی (جرایم جنسی به عنف که مجازات آن اعدام است) را خشونت‌آمیز برمی‌شمرد و تأکید بر حذف آن دارد!

اشاره کردیم که رویکرد اسلام پیشینی و پسینی است و این دو در کنار هم مکمل یک نظام کیفری قوی و مستحکم هستند.

**پس با عنایت به توضیحات شما می‌توانیم بگوییم نظام حقوق غربی نگاه پیشگیرانه ندارد؟**

بله، همین طور است؛ یعنی نظام حقوق غربی برای پیشگیری از خشونت تدابیر اصلاحی در پیش نمی‌گیرد. برای همین با وجود تورم قانونی و جرم‌انگاری مکرر در حوزه مقابله با خشونت علیه زنان، آمار مربوط به خشونت به ویژه خشونت‌های جسمی و جنسی علیه زنان کاهش نمی‌یابد.

ما هرگز ادعا نمی‌کنیم همه مکانیسم‌های نظام حقوق غربی برای مقابله با خشونت ناکارآمد است. برخی ضمانت‌های اجرایی موجود برای مقابله با انواع خشونت علیه زنان بسیار هم خوب است؛ حرف سر آن است که اینجا کامل نیست و در بسیاری از ابعاد دچار اوجاج شده است. مثلاً یکی از آسیب‌های این رویکرد آن است که همواره اصل را بر خطایی بودن مرد می‌گذارد و حتی برخی مدعی‌اند نظام حقوق غربی مردهراس است که خب همین مورد زمینه ظلم به برخی مردان را هم فراهم می‌کند و دیگر اینکه القای استانداردهای خاص زیبایی برای جنس زن و تعمیم آن به کل زنان، دختران، ایجاد خودکم‌بینی و ضعف اعتماد به نفس و... از جمله خشونت‌های نظام فرهنگی غربی به زنان و دختران در جهان است. امیدواریم با پیاده شدن کلمه حق و ترویج سبک زندگی الهی، تمامی اشکال ظلم علیه انسان‌ها در جهان برچیده شود.

**دریچه**



## خشونت علیه زنان در دنیای غرب ادامه دارد

**کبری فرشچی**

واقعیت دنیای غرب برای زنان از آنچه رسانه‌های غربی در این باره منعکس می‌کنند متفاوت است. این رامی‌توان از جنبش‌هایی که هر از چندگاه برای پایان دادن به خشونت و قتل زنان در کشورهای اروپایی اتفاق می‌افتد متوجه شد. اعتراضات و تظاهرات‌هایی که کمتر در بخش‌های خاورمیانه رسانه‌های جریان اصلی منعکس می‌شود و در مقابل این رسانه‌ها چهره تزئین شده زنان غربی در جایگاه‌های اجتماعی و سیاسی را برجسته‌سازی می‌کنند اما در واقعیت زنان غربی همچنان از خشونت شدید رنج می‌برند. خشونتی که در اشکال مختلف دامگیر آنان شده و مسالین سال مبارزه آنها برای به‌دست آوردن حقوق حداقلی همچون حق رأی را کم‌رنگ و کم‌اثر می‌کند.

طبق آمارها در کشوری همچون فرانسه هر سه روز یک زن بر اثر فشار و آزار جسمی همسر و شریک زندگی فعلی یا قبلی خود می‌میرد. بر اساس آمار رسمی فقط در سال ۲۰۱۹ در مجموع ۱۴۴ زن در فرانسه به دلیل خشونت خانگی جان باختند که در مقایسه با سال قبل از آن افزایش نشان می‌داد.

تارنمای فرانسه ۲۴ در گزارش مسوولی در این زمینه آورده است: دولت فرانسه در تلاش برای مبارزه با افزایش خشونت خانگی در این کشور برخی تدابیر اضطراری مانند بستن دستبندهای الکترونیکی به افراد خاطی است. این طرح دسامبر سال ۲۰۱۹ تصویب و اجرایی شد. دستبندهای الکترونیکی شبیه یک ساعت هوشمند بزرگ است که حرکات فرد خاطی را با کمک ابزار مکان یاب جی پی اس ردیابی می‌کند و فرد قربانی همچنین میزب به یک ردیاب است که باید همواره با خود داشته باشد.

طبق گزارش روزنامه فرانسوی لوفیگار، ژرژ لارد رمتن، وزیر کشور فرانسه در گفت‌وگویی با روزنامه فرانسوی لوپریزین باارز تا‌سافز گفته شدن ۱۰۲ زن در سال گذشته (۲۰۲۰) به دست همسر یا شریک زندگی فعلی یا سابق خود، تدبیر جدیدی را برای مقابله با این معضل اجتماعی اعلام کرد.

وی با اشاره به روند صعودی آمار خشونت‌های خانگی، از نیروهای امنیتی و پلیس این کشور خواسته تا رسیدگی به شکایات مربوط به خشونت‌های خانگی را نسبت به تمام جرائم دیگر از جمله، دردی، قاچاق مواد مخدر و غیره در اولویت دستور کار خود قرار دهند. وزیر کشور همچنین خاطر نشان کرد اگر چه در سال گذشته (۲۰۲۰ میلادی) ۱۰۲ مورد زن کشته ثبت شده اما در مقایسه با سال گذشته آن (۲۰۱۹ میلادی) این رقم کمتر بوده است. افزون بر آن، بحران شیوع کرونا منجر به اعمال دوره قرنطینه در سال گذشته و بدنبال آن، تشدید خشونت‌های خانگی شده است.

این رسانه فرانسوی همچنین افزود: کریستوف کامستر، وزیر وقت کشور فرانسه اعلام کرد موارد خشونت خانگی در این کشور همزمان با اجرای طرح قرنطینه برای مقابله با شیوع بیشتر ویروس کرونا، بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

مورد خشونت خانگی در سال گذشته ثبت شده و همچنین مناخله نیروهای پلیس ۱۵۵ مورد در ساعت گزارش شده است.

وزیر کشور فرانسه همچنین اعلام کرد: در پی افزایش انتقادهای مورد کنسیدی جریان قضایی و جنایی پرونده‌ها، شمار اسسرن قضایی‌های ۲۵ درصد افزایش

یابد. در سال ۲۰۱۳ سازمان جهانی مبارزه با شکنجه (OMCT) طی ۲۹ جلسه کمیته سازمان ملل در زمینه حذت‌تبعیض علیه زنان نگرانی خود را در خصوص خشونت علیه زنان در فرانسه ابراز کرد. این سازمان نگرانی خود را درباره خشونت گسترده علیه زنان در محافل خصوصی و در جامعه بیان کرد. در این گزارش تأکید می‌شود به رغم مقررات وضع شده خشونت علیه زنان همچنان رواج دارد.

در دیگر کشورهای اروپایی هم وضع از این بهتر نیست. روزنامه گاردین چندی پیش گزارش داد تقریباً تمام زنان جوان در این کشور مورد آزار جنسی قرار گرفته و بدتر از آن، اعتماد خود را به حل این معضل از سوی مقامات مسئول از دست داده‌اند. بر اساس این گزارش، ۹۷ درصد زنان بین ۱۸ تا ۲۴ سال مورد آزار جنسی قرار گرفته و هولناک‌تر آنکه ۸۰ درصد زنان از تمام گروه‌های سنی گفته‌اند که این معضل را در فضای عمومی تجربه کرده‌اند.

همچنین آزار جنسی زنان در پارلمان انگلیس به عنوان نهاد قانونگذار نیز دو سال پیش خبرساز و منجر به استعفاي چند نفر از اعضای دولت شد.

این‌ها مصادیقی است که نشان می‌دهد دنیای غرب در برقراری آرامش و امنیت برای زنان موفق عمل نکرده است و با وجود تمام کنوانسیون‌ها، قوانین و مقررات موجود باز هم انگار یک جای کار می‌لنگد.